



درس فارح فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: نکاح

تاریخ: ۲۴ مهر ۱۴۰۰

موضوع جزئی: مسئله ۲۵ - فرع چهارم: نظر مرد به بدن دختر بچه ممیز -

مصادف با: ۹ ربیع الاول ۱۴۴۳

معنای «الاحوط الاولى» و «لاینبغی ترک الاحتیاط فیها» در مسأله - شش احتمال و بررسی آنها

سال چهارم

جلسه: ۱۱

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

معنای «الاحوط الاولى» و «لاینبغی ترک الاحتیاط فیها» در مسأله

مطلبی را جلسه گذشته سؤال کردیم در مورد متن تحریر و از آقایان خواستیم تأملی بفرمایند و پاسخ بدهند. در مسأله ۲۵ بعد از بیان حکم نظر مرد به بدن دختر بچه ممیز، فرمودند: «نعم، الاحوط الاولى الاقتصار علی مواضع لم تجر العادة علی سترها باللبسة المتعارفة مثل الوجه و الکفین و شعر الرأس و الذراعین و القدمین لا مثل الفخذین و الألیین و الظهر و الصدر و الثديین، و لا ینبغی ترک الاحتیاط فیها». سؤال این بود که «نعم الاحوط الاولى» در مقابل «و لاینبغی ترک الاحتیاط فیها» چه معنایی دارد؟ چه ارتباط و نسبتی بین اینها وجود دارد؟ به نظر شما پاسخ چیست؟

احتمال اول

پاسخ یکی از شاگردان: «لاینبغی ترک الاحتیاط فیها» به معنای احتیاط واجب است.

استاد: یعنی عدول از آن اولی است؟ ... «الاحوط الاولى» ظهور در احتیاط مستحب دارد. ... چه داعی دارد که اول بنویسد «الاحوط الاولى» و بعد بگوید «لاینبغی ترک الاحتیاط»؛ از همان اول می گفت «نعم، الاحوط الاولى الاقتصار علی...»؛ چون در آخر مسأله هم دارد «الاحوط عدم تقبیلهای و عدم وضعها فی حجره». چه داعی دارد که اول بگوید «الاحوط الاولى» و بعد بگوید «لاینبغی» و آن وقت این دومی قرینه شود که آن اولی، معنایش احتیاط وجوبی است. اولاً این خلاف ظاهر است؛ وقتی کلمه اولی در کنار احوط می آید، ظهور در احتیاط استحبابی دارد. به علاوه، اگر منظور این بود که اینجا احتیاط واجب آن است که به این مواضع اکتفا کند و به آن مواضع نگاه نکند، نیازی به ازدیاد تعبیر نبود؛ همین اول می گفت «نعم الاحوط الاقتصار»، و اینکه بگویند «و لاینبغی ترک الاحتیاط فیها»، این وجهی ندارد. پاسخ شاگردان: ...

استاد: اگر مسبوق به فتوا باشد، مثل «الاحوط عدم تقبیلهای»، این احتیاط وجوبی است.

پس یک احتمال این است که اصلاً «لاینبغی ترک الاحتیاط فیها» قرینه شود بر اینکه «الاحوط الاولى» یعنی احتیاط وجوبی. این خلاف ظاهر است؛ به همان دو جهتی که عرض شد.

احتمال دوم

احتمال دوم این است که بگوییم «و لاینبغی ترک الاحتیاط فیها» به معنای احتیاط وجوبی است، ولی کأن اضراب صورت گرفته است. یعنی امام اول فرموده اند «الاحوط الاولى الاقتصار علی مواضع لم تجر العادة»، یعنی احتیاط مستحب این است که

اکتفا کند بر این مواضع. «لاینبغی ترک الاحتیاط فیها»، کأن اضراب صورت گرفته، کأن یک پله بالاتر رفتند و گفته‌اند «بل لاینبغی ترک الاحتیاط فیها».

این لحن هم البته خیلی غیرمعارف نیست که اول به صورت احتیاط مستحبی و بعد بالاتر می‌گویند، مثلاً لاینبغی ترک الاحتیاط فیها. منتهی ظاهر عبارت اگر بخواهد اضراب باشد باید کلمه «بل» بیاید. این خلاف ظاهر است. به علاوه اگر بخواهد اضراب به احتیاط وجوبی باشد، قهراً باید وجه این احتیاط وجوبی هم روشن شود. آیا می‌توانیم وجهی برای احتیاط وجوبی در اینجا ذکر کنیم؟ بالاخره تنها وجهی که می‌توان ذکر کرد، همان نظری است که محقق نراقی داده‌اند و مستندی که برای نظر خودشان ذکر کرده‌اند.

سؤال:

استاد: یعنی دلیلی که شاید از نظر ایشان تمام نیست. اینجا مشهور قائل به جواز هستند؛ پس نمی‌توانیم بگوییم رعایتاً لفتوی المشهور ایشان فرموده «لاینبغی» به معنای احتیاط وجوبی. قائل به عدم جواز عمدتاً همین مرحوم نراقی است که او هم به یک روایتی استناد کرده است. آن روایت اگر از نظر امام باطل باشد، باز هم نمی‌تواند احتیاط وجوبی کند؛ فوقش احتیاط استحبابی است که اینجا فرموده‌اند. این احتیاط وجوبی بالاخره یک وجه قابل اخذ می‌خواهد. در بحث بعدی و در مسأله تقبیل و وضع، آنجا گفته‌اند نسبت به ما بعد ست سنین ممکن است، شما بگویید از این باب است که موجب تحریک شهوت می‌شود؛ یعنی چون این مواضع اثاره للشهوة، بهتر است که از سن شش سالگی به بعد این اتفاق نیفتد. ممکن است کسی این را بگوید ولی واقع این است که زمینه‌سازی یا اینکه تحریک‌کنندگی دارد، این حرف در آنجا هم اشکال دارد ... اینجا باید ببینیم که با مبانی خود امام هم سازگاری داشته باشد. ... بی‌دلیل نمی‌تواند احتیاط وجوبی کند ... تنها مستندی که بخواهیم برای این احتیاط وجوبی ذکر کنیم، فتوای برخی مبنی بر تحریم نظر به دختر بچه می‌باشد؛ اگر اساس دلیل آنها از نظر ایشان صحیح نباشد، باز جایی برای احتیاط وجوبی باقی نمی‌گذارد. ...

سؤال:

استاد: منظور ایشان این است که اصلاً ممکن است متعلق الاحوط الاولی یک چیز باشد و متعلق لاینبغی ترک الاحتیاط یک چیز دیگر باشد؛ در حالی که اینطور نیست. می‌گوید احتیاط مستحب آن است که در جواز نظر اکتفا کند به این مواضع. یعنی اگر می‌خواهد نگاه کند فقط این مواضع را نگاه کند. این معنایش چیست؟ یعنی به مواضع دیگر نگاه نکند. احتیاط مستحب این است که به مواضع دیگر نگاه نکند. مواضع دیگر کدام است؟ ... احتیاط مستحب این است که به این مواضع نگاه کند ... اکتفا به این مواضع کند و به غیر این نگاه نکند؛ غیرش کدام است؟ ران، سینه و امثال اینها. «لاینبغی ترک الاحتیاط فیها» ... اگر می‌خواهد بگوید لاینبغی ترک الاحتیاط در این مواضع، این را قبلاً بیان کرده است. «لاینبغی ترک الاحتیاط فیها» یعنی احتیاط را در این مواضع ترک نکند. حالا این مواضع را شما به چه می‌زنید؟ می‌گویید منظور آن سر و دست و قدمین و اینهاست؛ اینکه با حرف بالا جور در نمی‌آید. اگر به این چند موضع اخیر بزنید که لاینبغی ترک الاحتیاط فیها، یعنی احتیاط واجب این است که به اینها نگاه نکند، این با حرف بالا جور در نمی‌آید؛ اگر اینجا بخواهد بگوید که احتیاط واجب این است که به ران و سینه و نگاه نکند، آن بالا هم باید می‌گفت الاحوط الاقتصار علی هذه المواضع؛ احتیاط مستحب در اکتفا به آن مواضع یعنی

اینکه اگر به غیر این مواضع هم نگاه کند، منعی ندارد. آن وقت بالا گفته‌اند که احتیاط مستحب آن است که به آن مواضع اکتفا کند و به دیگر مواضع نگاه نکند. احتیاط مستحب در ترک نظر به سایر مواضع است. آن وقت پایین گفته‌اند که احتیاط واجب آن است که به این مواضع نگاه نکند. اینها با هم جور در نمی‌آید. نمی‌توانیم متعلق الاحوط الاولى را با متعلق لاینبغی ترک الاحتیاط فيها جدا کنیم. اینها از هم جدا نیستند؛ چون یک جنبه سلبی دارد و یک جنبه ایجابی. النظر الی هذه المواضع یعنی دو قسمت دارد، یک موضعی هست که از مواضع دیگری جدا شده است. در این مواضع می‌گوید احوط اولی آن است که اکتفا شود به این چند موضع؛ ذراعین، قدمین، وجه و... نسبت به آن مواضع چطور؟ اکتفا به اینها یعنی آنها را نبیند؛ احتیاط مستحب این است که به آنها نگاه نکند. احتیاط در این است که نگاه نکند. آن وقت «لاینبغی ترک الاحتیاط» اگر متعلقش فرق دارد، یعنی لاینبغی ترک الاحتیاط در فخذین و الأیمن و ظهر و صدر و ثدیین، این یعنی احتیاط واجب این است که به اینها نگاه نکند. این صدر و ذیل با هم ناسازگار می‌شود، متعلق اینها نمی‌تواند جدا باشد. ... چرا فیها بگوید؟ ... پس احتمال دوم هم صحیح نیست.

احتمال سوم

احتمال سوم این است که به طور کلی بگوییم ضرورتی برای ذکر «لاینبغی ترک الاحتیاط فیها» نبود؛ چون «لاینبغی ترک الاحتیاط فیها» گاهی به معنای احتیاط مستحبی به کار می‌رود و گاهی در احتیاط واجب. اگر بخواهد الاحوط الاولى ظهور در احتیاط استحبابی داشته باشد، این «لاینبغی ترک الاحتیاط فیها» هم ظهور در احتیاط استحبابی داشته باشد، این دیگر یک جمله زائد می‌شود. یعنی قاعده‌اش این است که به همان احوط اولی اکتفا شود؛ دیگر ذکر «لاینبغی ترک الاحتیاط فیها» وجهی ندارد.

سؤال:

استاد: الاحوط الاولى همین را می‌رساند؛ وقتی بنای ایشان بر این باشد که جمالاتی که باعث طولانی‌تر شدن مسأله می‌شود را حذف کنند، ذکر جمله دیگر ضرورتی ندارد. یک وقت در شرح و توضیح یک مطلبی گفته می‌شود، ولی در متن مسأله خیلی به نظر می‌رسد وجهی ندارد.

احتمال چهارم

احتمال چهارم این است که بگوییم «نعم، الاحوط الاولى الاقتصار علی مواضع لم تجر العادة علی سترها»؛ به همه مواضع می‌خورد. «و لاینبغی ترک الاحتیاط فیها»، به خصوص ثدیین بخورد. این توجیه می‌کند اینکه بگوییم ابتدا احتیاط مستحب کرده‌اند در اکتفاء به این مواضع، لکن در پایان احتیاط وجوبی کرده‌اند در خصوص یک عضو. یعنی کأن یک استثنا است. کأن گفته‌اند نعم، الاحوط الاولى الاقتصار علی هذه المواضع لامثل فلان، الا در مورد آخری که ثدیین باشد، احتیاط واجب این است که نگاه نکند. این هم به نظر می‌آید که چندان قابل قبول نیست. چون ثدیین چه خصوصیتی دارد نسبت به الیین، نسبت به فخذین.

سؤال:

استاد: خصوصیت دارد نسبت به سر و گردن و سینه، ولی نسبت به فخذین و الیین چه خصوصیتی دارد؟ ... اینکه به خصوص در مورد ثدیین احتیاط واجب کنند در حالی که ظهر و الیین و فخذین رها شود، این به نظر می‌رسد که خیلی از آن جهت فرقی

ندارد. ... هیچ روایتی نداریم که خصوص این را ذکر کرده باشد. اساساً آن وقت مشکل اصلی این است که ما الفرق بین الثدی و الظهر و الألیین و الفخذین؛ چه کاری است؟ می‌گوییم این عبارت اشتباه است.

تا اینجا این چهار احتمال اجمالاً در اینجا مطرح است. به نظر ما امر دایر است بین دو احتمال؛ یا بگوییم اضراب کرده‌اند، اول احوط اولی فرموده‌اند و بعد ولاینبغی ترک الاحتیاط به معنای اینکه احتیاط واجب این است که این چنین شود. یا اینکه بگوییم لاینبغی ترک الاحتیاط به همان معنای احتیاط مستحبی است؛ آن وقت بحث این است که دیگر وجهی برای ذکر این جمله نبوده؛ این می‌شود یک جمله زائد.

احتمال پنجم

تعبیر این با احوط اولی یک تفاوتی دارد که احوط اولی یعنی احتیاط مستحبی این است که اکتفا به این امور کند؛ اکتفا در نظر به این مواضع کند. این معنایش چیست؟ یعنی احتیاط مستحب آن است که به مواضع دیگر نگاه نکند. لاینبغی ترک الاحتیاط هم بگوییم که مثلاً ترک احتیاط مذموم است. یک وقت می‌گوییم احتیاط مستحب است، یک وقت می‌گوییم ترک احتیاط مکروه است. ... در اینجا بحث است که در عبارات فقها به چه معناست؛ در روایات به چه معناست. لاینبغی آنجا در حرمت هم استعمال شده، در اینکه جایز نیست مع الرخصة هم استعمال شده است. اما در عبارات فقهی مثلاً لاینبغی ترک الاحتیاط کأن منظور این است که یعنی ترک این احتیاط مکروه است؛ فرق است بین احتیاط مستحب در اکتفاء به این و عدم آن، یا بگوییم کراهت ترک احتیاط. اینها یک تفاوتی دارد؛ این احتمال پنجم در مسأله است. احتیاط مستحب در اکتفا به این مواضع و عدم نظر به آن مواضع، احتیاط مستحب این است که به آنها نگاه نکند. اگر گفتیم ترک احتیاط در این مواضع - این سری دوم - مکروه است، این حالا ممکن است یک تفاوت اجمالی ظاهری بین اینها ایجاد شود ولی حقیقتاً خیلی تفاوتی نیست.

احتمال ششم

لاینبغی ترک الاحتیاط یعنی می‌خواهد تأکید آن استحباب کند؛ یعنی «الاحوط الاولى الاقتصار علی مواضع» یعنی احتیاط مستحب آن است که بر این مواضع اکتفا کند. یعنی احتیاط مستحب این است که به آن مواضع نگاه نکند؛ احتیاط مستحب است که آنها را نبیند. «لاینبغی ترک الاحتیاط» می‌خواهد بگوید این احتیاط را ترک نکند. تأکید استحباب اینطور فهمیده می‌شود. چون یک وقت گفته می‌شود که احتیاط مستحب در فلان کار است، این استحبابش را ثابت می‌کند؛ یک وقت می‌گوید این استحباب به حدی است که بهتر آن است که ترک نشود، این هم یک احتمالی است که این هم می‌شود مصحح این عبارت باشد؛ یعنی کأن با این «لاینبغی ترک الاحتیاط» می‌خواهد آن احتیاط استحبابی را تأکید کند؛ یعنی بگوییم که نسبت به این مواضع می‌خواهد بگوید در حقیقت حواسش باشد که این را کنار نگذارد؛ اینطور نیست که صرفاً یک احتیاط مستحبی را ترک کرده باشد. یک احتیاط مستحبی مؤکد است. این هم گرچه خالی از اشکال و شوب نیست، اما باز این احتمال هم قابل ذکر است و چه بسا بتوان پذیرفت.

سؤال:

استاد: «لاینبغی ترک الاحتیاط» گفتم گاهی استعمال در احتیاط مستحب هم شده، بله، این را همان اول عرض کردیم؛ ... این ظهور در احتیاط وجوبی دارد؛ اما ما اینجا مواجه هستیم با یک جمله‌ای قبل از آن، «نعم، الاحوط الاولى» می‌گوییم این را با آن چکار می‌خواهید بکنید؟ می‌گوییم اضراب باشد؛ این باید «بل» بیاورد؛ وجهی هم برای آن نداریم. ... بالاخره دنبال یک

وجه تصحیح می‌گردیم؛ داریم می‌گوییم این حرف این اشکال را دارد، اللهم الا أن يقال كذا و كذا؛ بالاخره این مصحح پیدا کردن، وجه تصحیح پیدا کردن برای این عبارات، این اشکالی ندارد.

تقریباً شش احتمال اینجا ذکر شد؛ چون نظیر این عبارات در جاهای دیگر هم هست. لذا باید توجه کرد که این مواردی که ما با آن مواجه می‌شویم، بالاخره معنایش چیست؟

بحث جلسه آینده

فرع بعدی را می‌خواستیم شروع کنیم که می‌شد فرع پنجم. فرع پنجم همین است که امام در متن تحریر فرموده‌اند: «و الاحوط عدم تقبيلها و عدم وضعها في حجره اذا بلغت ست سنين»، احوط آن است که دختر بچه ممیز را نبوسد و در دامن خودش قرار ندهد، هنگامی که به شش سالگی می‌رسد. این مفهومی است که تا شش سالگی اشکالی ندارد، اما از شش سال به بعد احتیاط و جویبی آن است که این کار را انجام ندهد. این فرع بحث دارد و باید ببینیم نظرات چیست.

«والحمد لله رب العالمين»